بسمه تعالی

موضوع: لایحه تفضیلی فساد گسترده و تضییع اموال سهامداران در پروژه واحد هوای (ASU1)

شرکت دماوند انرژی عسلویه

با سلام و ادب،

احتراماً، پیرو بررسی‌های صورت‌گرفته در خصوص موضوع فوق الذکر، مطالب ذیل جهت استحضار و و هرگونه اقدام ایفاد می‌گردد:

بستر وقوع فساد و اهمیت استراتژیک شرکت دماوند انرژی عسلویه

شرکت دماوند انرژی عسلویه به عنوان یک شرکت «یوتیلیتی» (تأمین‌کننده خدمات زیرساختی)، شریان حیاتی واحدهای تولیدی مستقر در فاز ۲ پارس جنوبی محسوب می‌شود. ساختار درآمدی این شرکت به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش «آفسایت» که اساساً فاقد صرفه اقتصادی است و بخش «واحدهای عملیاتی» که کلیت سود شرکت را تأمین می‌کند. در این میان، واحد تفکیک هوا (ASU) به‌عنوان سودآورترین و استراتژیک‌ترین دارایی شرکت شناخته می‌شود. واحدی که با خوراک گاز تقریباً رایگان و برق تولیدی خود دماوند، حاشیه سودی بی‌نظیر دارد. پس از خروج دماوند از مدیریت مستقیم شرکت ملی صنایع پتروشیمی (NPC) و در غیاب یک سهامدار حاکمیتی قدرتمند، این شرکت به بستری برای رانت‌جویی برخی ذی‌نفعان خاص بدل شده است. نمونه آشکار آن، واحدهای رایان پلیمر پویا و سپهرمکران است که بخش عمده‌ای از منافع آن‌ها به نفع شرکت‌های خصوصی مصادره شده است. لیکن آنچه در پروژه ASU1 رخ داده، نه یک سوءمدیریت ساده، بلکه مصداق کامل یک خیانت سازمان‌یافته و غارت برنامه‌ریزی‌شده اموال بازنشستگان نیروهای مسلح و سهام عدالت است.

بخش یکم ــ مهندسی معکوس منافع: ۱۰۰ میلیون یورو سرمایه‌گذاری بازنشستگان در برابر ۵۵ میلیون یورو سرمایه‌گذاری بخش خصوصی این بخش، قلب تپنده فساد را آشکار می‌سازد. تحلیل اعداد، هرگونه احتمال «اشتباه» یا «عدم آگاهی» را منتفی کرده و سوءنیت طراحان قرارداد را ثابت می‌کند.

- **سرمایه‌گذاری سهامداران (دماوند):** احداث مشترکات و زیرساخت‌های واحد هوا برای دماوند هزینه‌ای بیش از یکصد میلیون یورو در بر داشته است. این سرمایه از جیب بازنشستگان نیروهای مسلح و سهام عدالت تأمین شده است. که در اصل نیازی برای احداث این دو واحد در این حد از سرمایه گذاری لازم نبوده است و هیچگونه توجیح اقتصادی برای دماوند ندارد.
- **سرمایه‌گذاری شریک خصوصی (رایان پلیمر پویا):** در مقابل، شرکت رایان پلیمر پویا (تحت مدیریت آقای جمشید سبزکار) زیرمجموعه هلدینگ باختر برای احداث دو یونیت واحد هوای خود مجموعاً حدود ۵۵ میلیون یورو هزینه کرده است.

- **بازگشت سرمایه:** بر اساس مفاد قرارداد و برآوردهای فنی، بازگشت سرمایه ۵۵ میلیون یورویی رایان پلیمر پویا زیر یک سال امکان‌پذیر است. در حالی که بازگشت سرمایه ۱۰۰ میلیون یورویی دماوند (بازنشستگان) با ساختار فعلی قرارداد عملاً غیرممکن و منتفی است. این تناقض فاحش، یک سؤال ساده و ویرانگر را پیش روی مقام قضایی قرار می‌دهد: کدام انسان عاقلی چنین ظرفیت سرمایه‌گذاری را از دست می‌دهد؟ پاسخ روشن است: کسی که عمداً منافع سهامداران را قربانی منافع یک شریک خصوصیِ از پیش تعیین‌شده کرده باشد. این اقدام، مصداق اتمّ «تضییع عمدی اموال عمومی» وفق ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی و نیز «اخلال در نظام اقتصادی» از طریق انعقاد معاملات نامتعارف و زیان‌بار است. نکته فاجعه بار این است که در قرارداد مذکور شرکت دماوند انرژی عسلویه باید چنین واحدی را که هزینه ساخت خود را یکساله درآورده است و ۱۴ سال سود خالص به شرکت رایان پلیمر پویا پرداخت کرده است را دوباره از آن مجموعه خریداری نماید. کدام انسان عاقلی چنین خطای بزرگی را انجام می دهد.

بخش دوم ـ هشدار کتبی مدیر پروژه و عقب‌نشینی اجباری؛ سندی بر اختناق حاکم بر دماوند این بخش به سرگذشت یک سند و نویسنده آن می‌پردازد؛ سندی که ثابت می‌کند حتی نزدیک‌ترین افراد به حلقه قدرت (محمدرضا سمیعی کدکنی و پیمان اصفهانی) نیز به نادرستی این قرارداد واقف بوده‌اند، اما فضای اختناق و ارعاب حاکم بر شرکت، هرگونه مخالفتی را در نطفه خفه کرده است.

- **مستند:** نامه رسمی آقای علیرضا اسماعیلی در مقام مدیر پروژه‌های واحد هوا (منضم به پرونده). ایشان به عنوان بالاترین مقام فنی و اجرایی مسئول این پروژه، مطلع‌ترین فرد نسبت به جزئیات آن محسوب می‌شود.
- **هشدار اولیه:** در نامه مذکور، آقای اسماعیلی با استناد به داده‌های فنی و مالی، صراحتاً اعلام می‌دارد که ساختار قرارداد ASU1، بازگشت سرمایه دماوند را ناممکن ساخته و منافع پروژه به‌طور کامل به سمت رایان پلیمر پویا منحرف شده است. ایشان رسماً نسبت به تضییع گسترده اموال سهامداران هشدار می‌دهد. (پیوست شماره ۱)
- **واکنش اولیه و پیگیری‌های افشاگر:** در آن مقطع، آقای محمدرضا مهرافشان (مدیرعامل وقت) با اتکا به همین هشدارهای کارشناسی، مجموعه اقدامات و نامه‌نگاری‌های مستندی را با شرکت رایان پلیمر برای احقاق حقوق دماوند آغاز کرد. اما نتیجه این پیگیری‌ها، عزل ناگهانی ایشان از سمت مدیریت عاملی، صرفاً به دلیل ایستادگی در برابر این فساد بود. (پیوست شماره ۲)
- **عقب‌نشینی اجباری مدیر پروژه تحت فشار:** متعاقب عزل آقای مهرافشان و با تثبیت قدرت مدیران جدید و قدیمی هم‌سو با شبکه فساد (آقایان محمدرضا سمیعی، پیمان اصفهانی و مهدی هاشمیان ـ که فرد اخیر قریب به دو دهه است بر کرسی ریاست امور حقوقی و پیمان‌ها تکیه زده)، فشارهای فزاینده‌ای بر آقای اسماعیلی وارد شد. در نتیجه این فشارها و به دلیل ترس از دست دادن موقعیت شغلی خود، ایشان طی نامه‌ای محرمانه، اظهارات فنی پیشین خود را پس گرفته و به‌شکلی مصلحت‌جویانه، اصل موضوع را با توجیهات فنی و «شرایط خاص پروژه» توجیه نمود.
- **تحلیل حقوقی پرونده شخصی اسماعیلی:** صرف‌نظر از اینکه آقای اسماعیلی به‌عنوان یکی از نیروهای منتصب و مورد اعتماد آقای سمیعی در این فساد بزرگ دست داشته یا خیر امری که

بررسی آن از سوی مقام قضایی ضروری است. نکته کلیدی در نامه اول ایشان نهفته است. این سند رسمی، علم و آگاهی کامل مدیران ارشد نسبت به زیان‌بار بودن معامله را اثبات می‌کند. عقب‌نشینی اجباری ایشان و عزل مدیرعاملی که پیگیر موضوع بود، عنصر «سوءنیت» در «تضییع عمدی اموال عمومی» موضوع ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی را به‌طور کامل محرز می‌سازد.

بخش سوم ــ رانت زمین؛ اجاره ۹۵ میلیون تومانی برای زمینی که دارای ارزش ۲۰ برابری بوده و مالکیت بلاعوض ۱۵ ساله ، اراضی استراتژیک شرکت را با ثمن بخس در اختیار شریک خصوصی گذاشته‌اند و مدیران فعلی نیز در مسیر مشروع‌سازی این تخلف گام برداشته‌اند.

- **مستند:** قرارداد اجاره منضم به پرونده (صفحات ۱۹-۲۴). (پیوست شماره ۳)
- **شرح تخلف اولیه:** ۱۶،۶۰۰ متر مربع از زمین‌های فوق‌العاده ارزشمند فاز ۲ پارس جنوبی با اجاره ماهیانه صرفاً ۹۵ میلیون تومان (در زمان انعقاد) به رایان پلیمر پویا واگذار شده است؛ حال آنکه ارزش کارشناسی واقعی این زمین به دلیل موقعیت ممتاز، حداقل ۲۰ برابر این مبلغ در زمان واگذاری اولیه می‌باشد. زمینی که با توجه به شرایط صنعتی خاص آن، قابلیت دارد سرمایه‌گذاری حدود ۵۵ میلیون یورویی را در طی مدت یک سال بازگرداند، کدام عقل سلیمی آن را به مبلغ ۹۵ میلیون تومان اجاره می‌دهد؟
- **عدم پیش‌بینی سازوکار تعدیل اجاره:** رویه درست و منطقی، منطبق بر اصول فنی، کارشناسی و عقلایی با حفظ منافع دماوند، حکم می‌کرد که برای چنین زمین خاص و استراتژیکی با قابلیت بازگشت حجم سرمایه‌گذاری عظیم صرفاً طی یک سال، موضوع اجاره‌بها هر ساله جهت تعدیل مبلغ به کارشناسان خبره و مرضی‌الطرفین ارجاع داده می شد و اجاره‌بها به صورت ارزی یا معادل آن تعیین می گردد، نه شرایط اسف‌بار فعلی و آیا در این مدت ۷ ساله چنین اقدامات کارشناسی جهت تعدیل اجاره بهای واحد مذکور انجام شده است یا خیر؟
- **مالکیت بلاعوض ۱۵ ساله؛ نقطه اوج غارت:** نکته افشاگر دیگر، بحث مدت مالکیت شرکت رایان پلیمر بر هر دو یونیت احداثی به مدت ۱۵ سال است. بر اساس کدام منطق و منافع مشترک و اصول کارشناسی، مجموعه‌ای صنعتی خاص که کمتر از یک سال کل هزینه ساخت خود را جبران می‌نماید و هر ساله حدود ۳۰ همت سود خالص دارد، باید به مدت ۱۵ سال بدون هیچ‌گونه منفعت مشترکی بین دماوند و رایان پلیمر، در اختیار بی‌قید و شرط رایان پلیمر صرفاً به خاطر این سرمایه‌گذاری قرار گیرد؟ در صورتیکه تمام هزینه مشترکات آن به مبلغ یکصد میلیون یورو را دماوند انرژی عسلویه تقبل کرده است و به صورت ذیلانه ای بعد از ۱۵ سال باید دوباره آن مجموعه مستهلک را به قیمت روز خریداری نماید؟!.
- **تحلیل حقوقی:** واقعیت ماجرا چیزی جز غارت سرمایه‌های دماوند نمی‌باشد. این ساختار قراردادی، مصداق بارز «معامله به ضرر سهامداران» و «تفویت منافع مسلم» است.
- **سرکوب افشاگر و انتصاب مدیر هم‌سو:** شایان ذکر است که آقای محمدرضا مهرافشان، که پیشتر پیگیری‌های جدی در خصوص این فساد انجام داده بود، در پی فشارهای رسانه‌ای ناجوانمردانه و ارسال گزارش‌های مهندسی‌شده و خلاف واقع به سهامداران، دقیقاً به دلیل پیگیری همین پرونده از سمت خود عزل گردید. بلافاصله پس از انتصاب آقای پیمان اصفهانی به عنوان مدیرعامل جدید، به منظور سرپوش قانونی نهادن بر تصرف غیرقانونی اراضی توسط رایان پلیمر، موضوع به کارشناسی ارجاع شد تا

فرایندی قانونی برای آن جلوه‌گری شود؛ لیکن هیچ‌گونه اطلاعات شفافی از این کارشناسی در دسترس نیست و این اقدام سریعاً پس از استقرار مدیریت جدید رخ داده است. این توالی زمانی و اقدامات، ظن قوی بر هماهنگی مدیران جدید با شبکه فساد را تقویت می‌کند.

بخش چهارم ـ تصاحب فیزیکی اموال دماوند؛ از تصرف عدوانی ۹۰۰۰ متری تا استیلای کامل بر ساختمان‌های استراتژیک این بخش، ابعاد نفوذ و تسلط فیزیکی و فراقراردادی رایان پلیمر بر اموال و تأسیسات دماوند را آشکار می‌سازد. آنچه در این پرونده رخ داده، فراتر از یک تخلف ساده در واگذاری زمین است و به یک استیلای سازمان‌یافته بر زیرساخت‌های شرکت شبیه است.

- **مستند اول: نامه رسمی شماره ۱/۵۱۱۱-۳۶ ص پ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ (صفحه ۹ پرونده) که توسط مدیران** فعلی (از جمله آقای اصفهانی) صادر شده است. در این نامه رسماً اقرار می‌شود که رایان پلیمر پویا حدود ۹۰۰۰ متر مربع زمین اضافی را بدون قرارداد تصرف کرده است. (با همان اجاره بهاء از زمان تحویل)
- **مستند دوم ـ تصاحب ساختمان‌های دماوند (شواهد عینی و اطلاعات داخلی شرکت):** نفوذ رایان پلیمر بر مدیریت فعلی دماوند چنان گسترده و ریشه‌دار است که این شرکت، ساختمان‌های مشترکات واحد هوای ۱ (ASU1) را که توسط خود دماوند ساخته شده، به‌طور کامل تصاحب نموده است. به‌عنوان نمونه، ساختمان کنترل روم و جاده‌های پیرامونی آن که از حیث امنیت و کنترل عملیات از اهمیت حیاتی برخوردارند، تماماً در تصرف غیرقراردادی و غیرقانونی رایان پلیمر قرار دارد و هیچ‌گونه هزینه‌ای بابت این تصرفات به دماوند پرداخت نمی‌شود.
- **تحلیل حقوقی**: این اقدامات، مصداق بارز «تصرف عدوانی» (ماده ۳۰۸ قانون مدنی)، «خیانت در امانت» (ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی) و «تجاوز به اموال عمومی» (ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی) است. سکوت و انفعال مدیران فعلی در قبال این حجم از تصرفات غیرقانونی، به‌ویژه تصاحب تأسیساتی به حساسیت کنترل روم، نشان‌دهنده تبانی کامل و تسلیم محض مدیریت در برابر شریک خصوصی است.

بخش پنجم ـ مکانیزم عملیاتی غارت: الحاقیه خائنانه و طراحی عامدانه برای اتلاف اجباری محصول دماوند این بخش، فراتر از اسناد قراردادی، به عمق فاجعه در طراحی مهندسی و عملیات بهره‌برداری می‌پردازد؛ جایی که مشخص می‌شود شبکه فساد نه تنها منافع را دزدیده، بلکه زیرساخت‌ها را نیز به‌گونه‌ای مهندسی کرده که شرکت دماوند مجبور به نابودی سرمایه ملی شود.

- **مستند اول ـ الحاقیه خائنانه:** الحاقیه شماره یک قرارداد (صفحه ۲۷ پرونده) به امضای مهدی هاشمیان. بند ۸-۲ قرارداد اصلی با صراحت تمام، بهره‌برداری، تعمیرات و نگهداری واحد ASU را بر عهده دماوند (موجر) گذاشته بود. اما با این الحاقیه، حق بهره‌برداری ـ که مساوی با مالکیت سود عملیاتی فروش اکسیژن است ـ به‌طور کامل به رایان پلیمر پویا بدون هیچگونه توجیح عقلی و اقتصادی و صرفا با سرپوش نهادن مصوبه اعضاء هیات مدیره واگذار می‌گردد. شخصی که خود دارای مدرک لیسانس حسابداری می باشد و دو دهه است مدیر امور حقوقی شرکتی به این عظمت می باشد آیا نباید حداقل فهم حفاظت از منافع دماوند را داشته باشد.

- **مستند دوم ـ طراحی عامدانه برای اتلاف محصول دماوند (اطلاعات محرمانه فنی):** هر یک از واحدهای هوای رایان پلیمر به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که قادر به تولید تقریبی ۵۰،۰۰۰ نرمال مترمکعب در ساعت اکسیژن فشار بالا (HP) و ۲۰،۰۰۰ نرمال مترمکعب در ساعت اکسیژن فشار پایین (MP) می‌باشند. با این حال، شبکه فساد با نفوذی که در مدیریت بهره‌برداری و شخص مدیرعامل اسبق دماوند (آقای پیمان اصفهانی) دارد، یک واحد بسیار خطرناک به نام «ایستگاه تقلیل فشار اکسیژن از HP به MP» (Lead Down Station) را در مجاورت مخازن مایع اکسیژن و نیتروژن احداث نموده است. مکانیزم خیانت بدین‌گونه عمل می‌کند: هرگاه اکسیژن MP تولیدی رایان پلیمر پاسخ‌گوی نیاز شرکت‌های تابعه آن (از جمله پارس گلایکول) نباشد، این ایستگاه تقلیل فشار فعال شده و اکسیژن فشار بالای (HP) رایان را به فشار پایین (MP) تبدیل می‌کند. نتیجه مستقیم و فاجعه‌بار این اقدام آن است که شرکت دماوند ناچار می‌شود اکسیژن MP تولیدی خود را ـ که حدود ۱۰،۰۰۰ نرمال مترمکعب در ساعت برآورد می‌شود ـ مستقیماً را به اتمسفر تخلیه کند.
- **تحلیل ابعاد فاجعه:** این عملیات مجرمانه هم‌زمان چهار ضربه مهلک را بر پیکره منافع سهامداران وارد می‌سازد:

۱. **تضییع سرمایه ملی:** برق و بخار ارزان‌قیمت دماوند که صرف تولید این اکسیژن شده، به‌جای فروش و کسب درآمد، به هدر می‌رود. برآورد هزینه ها عدد بسیار هنگفتی را نمایان می سازد.
۲. **ضرر هنگفت مالی مستقیم:** سهامداران دماوند بابت محصولی که به اجبار در هوا تخلیه می‌شود، هیچ درآمدی کسب نمی‌کنند.
۳. **آسیب به محیط زیست:** تخلیه عمدی و گسترده اکسیژن در اتمسفر، تهدیدی جدی علیه محیط زیست منطقه است.
۴. **سود بادآورده برای رایان:** در مقابل، رایان پلیمر با استفاده از این مکانیزم، سهم بازار خود را حفظ کرده و به سودهای کلان دست می‌یابد.

نکته کلیدی: این اطلاعات از جمله اسناد بسیار محرمانه داخلی شرکت است و مدیرعامل اسبق (آقای پیمان اصفهانی) کاملاً در جریان این ضرر و زیان هنگفت به دماوند و سود بادآورده به رایان پلیمر قرار دارد. سکوت و تداوم این وضعیت، مصداق بارز خیانت در امانت، اتلاف عمدی اموال عمومی و تبانی آشکار با بخش خصوصی است.

بخش ششم ـ تخریب عمدی ساختار حقوقی: انتصاب فرد فاقد صلاحیت در رأس امور قراردادها آقای مهدی هاشمیان با مدرک کارشناسی حسابداری و بدون هرگونه سابقه تخصصی در امور قضایی و حقوقی، قریب به دو دهه است که به‌عنوان «رئیس امور حقوقی و پیمان‌ها» منصوب شده است. این انتصاب آشکارا مغایر با مقررات وزارت نفت (که تصدی این پست را منوط به تحصیلات حقوقی می‌داند) بوده و نشان می‌دهد که ساختار نظارتی شرکت عامدانه و به‌طور سیستماتیک تخریب شده تا قراردادهایی چنین فاجعه‌بار، بدون ممیزی حرفه‌ای از فیلتر حقوقی عبور کنند. فردی که باید نخستین مانع در برابر این قراردادها می‌بود، خود به عنوان امضاکننده الحاقیه، در کانون فساد قرار دارد.

بخش هفتم ـ مسئولیت کیفری رئیس هیأت مدیره: معمار و حافظ یک دهه فساد نقش آقای هادی قنواتی به‌عنوان نماینده هلدینگ خلیج فارس و کسی که بیش از ده سال در هیأت مدیره دماوند حضور داشته و هم‌اکنون ریاست آن را بر عهده دارد، فراتر از یک ناظر منفعل است. شواهد موجود در این پرونده، ایشان را به‌عنوان معمار و حافظ اصلی این شبکه فساد معرفی می‌کند.

- **مستند:** در حالی که تمامی اعضای هیأت مدیره دماوند طی ده سال گذشته چندین بار تغییر کرده‌اند، آقای هادی قنواتی تنها عضوی است که به‌طور مستمر در این سمت ابقا شده است. دلیل اصلی این ثبات یک دهه‌ای، مدیریت و هدایت پروژه‌های واحد هوای شرکت از سوی ایشان بوده است.
- **دامنه تخلفات تحت نظر ایشان:** تمامی موارد تشریح‌شده در این لایحه، از جمله واگذاری زمین با ثمن بخس، تصرف عدوانی ۹۰۰۰ متری، تصاحب کامل ساختمان کنترل روم و تأسیسات دماوند توسط رایان پلیمر، الحاقیه مخرب، عزل افشاگران، طراحی ایستگاه تقلیل فشار برای اتلاف عمدی محصول، و انتصابات غیرقانونی، همگی در دوره حضور مستمر و تحت نظر مستقیم آقای قنواتی به وقوع پیوسته و تداوم یافته است.
- **تحلیل حقوقی:** ایشان به‌عنوان رئیس فعلی و باسابقه‌ترین عضو هیأت مدیره، نه تنها از کلیه این جرایم مطلع بوده، بلکه به دلیل نقش مستقیم در پروژه‌های واحد هوا، در کانون طراحی و اجرای آن‌ها قرار داشته است. سکوت، انفعال و تداوم این وضعیت اسف‌بار، مصداق بارز «معاونت در جرم»، «مشارکت در اخلال در نظام اقتصادی» و «خیانت در امانت» است. از مقام قضایی تقاضا می‌شود ایشان را نه به عنوان یک ناظر غافل، که به عنوان یکی از متهمان اصلی این پرونده مورد تحقیق و تعقیب قرار دهد.

بخش هشتم ـ الگوی تکراری غارت: پرونده واحد هوای سپهرمکران و خیانت سازمان‌یافته پیش از تحلیل آنچه بر سر واحد ASU1 آمد، ضروری است پرونده‌ای مشابه و عبرت‌آموز را بررسی کنیم که نشان می‌دهد غارت واحدهای هوای دماوند، نه یک حادثه منفرد، که سیاستی مستمر و برنامه‌ریزی‌شده در دوران مدیریت آقای محمدرضا سمیعی کدکنی و با همدستی حلقه نزدیکان ایشان (پیمان اصفهانی و مهدی هاشمیان) بوده است. سرگذشت واحد هوای سپهرمکران، آیینه‌ای تمام‌نما از خیانتی است که اینک در پروژه رایان پلیمر تکرار شده است.

- **قرارداد اولیه؛ یک تجربه موفق:** در مقطعی که پتروشیمی مرجان تحت مدیریت آقای بیگی قرار داشت، واحد هوایی برای تأمین نیازهای این شرکت با هزینه سرمایه‌گذاری خود مرجان، بین دماوند و آن شرکت احداث شد. در این پروژه، تمامی هزینه‌های مشترکات توسط کارفرما (مرجان) پرداخت گردید و قراردادی مستحکم و به نفع دماوند منعقد شد.
- **انتظار مشروع بر مبنای تجربه موفق:** این تجربه موفق ثابت کرد که دماوند می‌تواند قراردادهای منصفانه و سودآور منعقد کند. بر همین اساس، انتظار مشروع و بدیهی این بود که در پروژه عظیم‌تر و به مراتب سودآورتر رایان پلیمر، مدیریت دماوند حداقل امتیازات زیر را کسب می‌کرد:
- **دریافت حداقل نیمی از هزینه ساخت واحد مشترکات (همانند مدل سپهرمکران)؛** و یا مالکیت حداقل یک یونیت از دو یونیت احداثی توسط رایان پلیمر را به دماوند منتقل می‌کرد. بدیهی است که در هیچ‌یک از این دو سناریو، نباید امتیاز بهره‌برداری و تعمیرات به شرکت مقابل واگذار می‌شد.

- **انحراف و غارت در دوران سمیعی کدکنی:** اما در زمان تصدی آقای محمدرضا سمیعی کدکنی، نه تنها هیچ‌یک از این انتظارات منطقی محقق نشد، بلکه واحد سپهرمکران نیز به شکلی کاملاً نامعلوم و غیرشفاف از بدنه دماوند جدا شده و مالکیت آن به هلدینگ سپهرمکران منتقل گردید. این اقدام، سودآوری ابدی این واحد را برای دماوند نابود کرد.
- **مسئولان اصلی این خیانت مضاعف:** تمامی اشتباهات و خیانت‌های صورت‌گرفته در واگذاری واحد هوای سپهرمکران، مستقیماً متوجه افراد زیر است:
  - محمدرضا سمیعی کدکنی (مدیرعامل اسبق)
  - هادی قنواتی (عضو ده‌ساله و رئیس فعلی هیأت مدیره)
  - پیمان اصفهانی (مدیرعامل اسبق و رییس واحد مهندسی که تمام امور فنی واحد ASU1 را توجیح نموده است و مدیرپروژه ساخت آن بوده و بدلیل برآیند تمام خوشخدمتی های خود به محمدرضا سمیعی کدکنی را به سمت مدیرعاملی دماوند نیز نایل آمد.)
  - مهدی هاشمیان (رئیس امور حقوقی و پیمان‌ها)
  - ایمان رودشتی (رئیس حراست یک دهه گذشته دماوند انرژی عسلویه)

- **تحلیل تطبیقی و کشف الگوی مجرمانه:** مقایسه این دو پروژه، الگوی ثابت و عمق فساد را آشکار می‌سازد:

۱. **وجود یک قرارداد بهتر (واحد سپهرمکران):** اثبات می‌کند که امکان انعقاد قراردادهای منصفانه و سودآور برای دماوند وجود داشته است.

۲. **تکرار تجربه ناموفق در مقیاسی فاجعه‌بارتر (واحد رایان پلیمر):** بلافاصله پس از آن، همان تیم مدیریتی نه تنها آن تجربه ناموفق را دوباره تکرار کرد، بلکه با طراحی قراردادی به مراتب فاجعه‌بارتر، واحد ASU1 را عملاً به رایان پلیمر پیشکش کرد.

۳. **واگذاری کامل دارایی پیشین:** و در اقدامی تکمیلی، حتی همان واحد سپهرمکران را که قراردادی بهتر داشت نیز به‌طور کامل از مالکیت دماوند خارج نمود. این توالی اقدامات نشان‌دهنده یک استراتژی سازمان‌یافته برای تخلیه سیستماتیک دارایی‌های دماوند است. توجیهات مضحکی همچون «مشکلات تحریم»، «نبود نقدینگی» یا «فشار سایر شرکت‌های در حال ساخت» که از سوی این افراد مطرح می‌شود، نه تنها هیچ مبنای حقوقی و اقتصادی ندارد، بلکه توهینی آشکار به شعور سهامداران و دستگاه قضایی است. این الگوی تکراری ثابت می‌کند که با یک طراحی مجرمانه مستمر برای نابودی دماوند و منافع بازنشستگان روبرو هستیم.

بخش نهم ــ سناریوی از پیش طراحی‌شده: بی‌نیازی مطلق دماوند به سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیون یورویی و اثبات عامدانه بودن فساد این بخش، مهر تأیید نهایی بر عامدانه و طراحی‌شده بودن فساد در پروژه ASU1 است. شواهد فنی و مهندسی نشان می‌دهد که اساساً هیچ ضرورت و نیازی به این سرمایه‌گذاری عظیم و زیان‌بار وجود نداشته و این پروژه، صرفاً یک سناریوی هماهنگ‌شده برای تضعیف حقوق دماوند و انتقال منافع به بخش خصوصی بوده است.

- **پیشینه فنی و ظرفیت‌های موجود دماوند:** شرکت دماوند انرژی عسلویه به عنوان یک یوتیلیتی متمرکز، دارای دو سایت تولید هوا می‌باشد. نکته کلیدی و بسیار مهمی که از دید سهامداران پنهان نگه

داشته شده، این است که در واحد هوای دو دماوند، تمامی زیرساخت‌های مشترکات از پیش وجود داشته و شرکت، طراحی چهار یونیت واحد هوا را در همان سایت پیش‌بینی و آماده‌سازی کرده بود.

- **گزینه منطقی و اقتصادی که نادیده گرفته شد:** بر اساس این ظرفیت آماده و مهیّا، دماوند می‌توانست بدون آنکه وارد سرمایه‌گذاری هنگفت و نامتعارف در واحد هوای یک (ASU1) شود، صرفاً با هزینه‌ای حدود ۲۵ میلیون یورو، یک یونیت کامل واحد هوا را در سایت واحد هوای دو احداث نماید و بدین‌ترتیب، تمامی نیازهای مشتریان خود را به‌طور کامل و با سودی تضمین‌شده پاسخ دهد.
- **مقایسه فاجعه‌بار:** به‌جای این مسیر منطقی، اقتصادی و کم‌هزینه، مدیران وقت (آقای سمیعی و پیمان اصفهانی) تصمیم گرفتند سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیون یورویی را در پروژه ASU1 انجام دهند؛ پروژه‌ای که نه تنها بازگشت سرمایه‌اش غیرممکن است، بلکه با طراحی قراردادی فاجعه‌بار، منافع آن به جیب رایان پلیمر سرازیر می‌شود. تفاوت ۷۵ میلیون یورویی بین این دو گزینه (۱۰۰ میلیون در برابر ۲۵ میلیون)، چیزی جز حیف و میل عمدی و طراحی یک سناریوی فساد نیست. علاوه بر آن لیست و هزینه های پیمانکاران اجرایی که توسط خود محمدرضا سمیعی کدکنی مدیریت شده است در پیوست می باشد و باید بررسی شود که آیا مبالغ پرداختی به این پیمانکاران از طریق شرکت دماوند انرژی عسلویه از مطالبات رایان پلیمر کسر و تسویه شده است یا خیر؟
- **تحلیل حقوقی:** این انحراف عظیم و غیرقابل توجیه از یک مسیر کم‌هزینه و سودآور به سمت یک پروژه زیان‌بار و فاجعه‌آمیز، به‌وضوح نشان می‌دهد که کل پروژه ASU1 نه بر مبنای نیاز فنی و اقتصادی شرکت، بلکه بر اساس یک نقشه از پیش طراحی‌شده برای غارت اموال سهامداران کلید خورده است. این واقعیت که گزینه جایگزین و بسیار به‌صرفه‌تر (احداث یونیت در واحد هوای دو) به طور کامل از دید سهامداران مخفی نگه داشته شد، خود مصداق بارز «تدلیس»، «تبانی» و «اخلال در نظام اقتصادی» از طریق پنهان‌سازی اطلاعات حیاتی و تحمیل یک معامله زیان‌بار است. این اقدام، عنصر «سوءنیت» را در بالاترین حد خود به اثبات رسانده و هرگونه دفاع مبتنی بر «اشتباه مدیریتی» را منتفی می‌سازد.

نتیجه‌گیری و خواسته‌های نهایی

اسناد پرونده ـ به‌ویژه نامه رسمی اولیه مدیر پروژه‌های واحد هوا، شواهد تصاحب فیزیکی ساختمان‌های دماوند، اطلاعات محرمانه در خصوص طراحی عامدانه برای اتلاف محصول، الگوی تکراری غارت در پرونده سپهرمکران، و اثبات بی‌نیازی مطلق دماوند به سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیون یورویی ـ ثابت می‌کند که مدیران دماوند با محوریت آقای سمیعی و قنواتی و پیمان اصفهانی و با سوءنیت کامل، نه تنها سودآورترین دارایی بازنشستگان نیروهای مسلح را به تاراج برده‌اند، بلکه با مهندسی معکوس در طراحی تأسیسات، شرکت را مجبور به نابودی سرمایه ملی کرده‌اند و در ادامه با عزل افشاگران و مهندسی گزارش‌های خلاف واقع، در صدد سرپوش نهادن بر این فساد برآمده‌اند.